

## علم اخلاق در دنیای اسلام

### مقدمه

اخلاق، یکی از مهم‌ترین ساحت‌های دین مبین اسلام است؛ آن گونه که پیامبر اعظم (ص) هدف نهایی بعثت خود را رسیدن به کرامت‌های اخلاقی بیان می‌کند. آثار ارزشمندی که طی قرن‌ها در زمینه اخلاق تألیف شده، نشانه اهمیت این مسئله است. روشن است که هر مکتب، مبانی و مبادی خاصی در علم اخلاق دارد. مبادی، به مباحثی گفته می‌شود که پیش از ورود به هر علم باید شناخته شوند؛ مانند موضوع آن علم، وجود آن و اصولی که اثبات مسائل آن علم، منوط به آنها است. در این بخش، کوشیده ایم تا به فهمی دقیق از مبادی علم اخلاق، شاخه‌های آن و همچنین آشنایی نظری با مباحث اخلاقی و ارتباط این علم با دیگر علوم دست یابیم.

### محتوای آموزشی

#### علم اخلاق در دنیای اسلام

در دنیای اسلام، علم اخلاق دانشی است که آثار و کتاب‌های بسیاری در مورد آن تدوین شده است. این دانش پیش از اسلام نیز در یونان شناخته شده بود. کتاب اخلاق نیکوماخوس اثر ارسطو، از نخستین کتاب‌هایی است که به طور مستقل درباره این علم نوشته شده است. از برجسته‌ترین آثار که درباره علم اخلاق در تاریخ فرهنگ اسلامی به نگارش درآمده است، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

• کتاب تهذیب الاخلاق و طهاره الاعراق نوشته ابو علی احمد بن محمد مسکویه (۳۲۰-۴۲۱ ه ق)؛

• اخلاق ناصری اثر خواجه نصیر الدین طوسی (۵۹۷ ه ق)؛

• جامع السعادات نوشته ملا احمد نراقی و معراج السعاده اثر ملا مهدی نراقی

با توجه به آثار یاد شده علم اخلاق دانشی است که درباره نفس انسان بحث می‌کند؛ چرا که که افعال زیبا، زشت، شایسته یا ناشایست با اراده نفس صادر می‌شوند.

#### موضوع علم اخلاق

موضوع علم اخلاق، خُلق انسان است. خُلق در برابر خُلق به کار می رود. خُلق مربوط به ظاهر و صورت انسان است و خُلق مربوط به باطن و سیرت آدمی. در تعریف خُلق گفته اند: ملکه ای نفسانی است که منشأ می شود تا افعال از آدمی به سادگی و به سهولت صادر گردد.

ملکه، کیفیتی برای نفس است که آن کیفیت برای نفس تداوم و استمرار دارد و به سرعت در معرض زوال قرار نگیرد. ملکه در برابر حال به کار می رود، حال صفت و کیفیتی در نفس است که ناپایدار می باشد و به سرعت زائل می گردد. انسانی که در حالتی خاص، کاری را انجام می دهد، مثلاً دروغ می گوید و یا مالی را به دیگری می بخشد، دارای خلق دروغگویی و یا ملکه سخاوت و بخشندگی نیست. خلق و ملکه دروغگویی و یا بخشندگی در کسی است که نفس او همواره به سادگی به دروغ گفتن یا به بخشش تمایل داشته باشد و آن را انجام دهد.

علم اخلاق درباره ملکات نفسانی آدمی بحث می کند. خُلق های پسندیده و ناپسند را شناسایی می کند و چگونگی پدید آمدن هریک از آنها و نیز راه های از بین بردن خلق های ناپسند یا آراسته شدن به خلق های پسندیده را بازگو می کند.

### مبادی معرفت شناختی

در دنیای اسلام علم اخلاق، از برخی مبادی و اصول موضوعه بهره می برد. این مبادی و اصول موضوعه مربوط به علم اخلاق نیست، بلکه مربوط به علوم دیگری است؛ مثلاً برخی از این مبادی معرفت شناسانه، بعضی فلسفی و بعضی دیگر نیز مبادی انسان شناختی است.

### الف) مبادی معرفت شناختی علم اخلاق اسلامی:

در اسلام، علم اخلاق مبتنی بر معرفت حسی، عقلی و وحیانی است. حس، در شناخت، امور متغیر و رفتار و اعمال روزانه افراد کارآمد است و عقل، احکام و قواعد کلی اخلاقی را می شناسد. پیش از اسلام، علم اخلاق از دو منبع معرفتی حسی و عقلی بهره می برد، لکن حضور وحی و مرجعیت معرفتی آن سبب شد که مجموعه ای از آیات و روایات که به آنها "نقل" گفته می شود، به عنوان منبع معرفتی نوینی در اختیار عالمان اخلاق قرار گیرد. حضور زنده و فعال وحی و نقلی که در حاشیه وحی اعتبار یافته است، در بسیاری از آثار و کتب اخلاقی اسلامی، به چشم می خورد. حذف عقل و مرجعیت معرفتی آن در فلسفه ها و جریان های معرفتی مدرن، علم اخلاق را دچار تحولات بنیادین نموده است؛ در صورتی که عنصر عقل وجوه

اشتراک فراوانی را میان علم اخلاق اسلامی و علم اخلاق در یونان پدید آورده است. روشی که علم اخلاق در دنیای اسلام با توجه به مرجعیت عقل از آن استفاده می‌کند، روش برهانی است. در این روش، از شواهد نقلی نیز در جای مناسب استفاده می‌شود.

### ب) مبادی هستی‌شناسی:

علم اخلاق، بر اساس اعتقاد به ساحت‌ها و مراتب متکثر هستی شکل گرفته است. علم اخلاق بر هستی‌شناسی ماتریالیستی و دنیوی مبتنی نیست. جهان ماده، بخشی از عالم هستی است. اعتقاد به متافیزیک و عالم ماوراء طبیعت، مهمترین بنیاد هستی‌شناختی علم اخلاق اسلامی محسوب می‌شود و خیر و کمال در این هستی‌شناسی به عالم طبیعت محدود نمی‌شود، بلکه عالم عقلانی را نیز در بر می‌گیرد. اعتقاد به عالم عقلانی و فرشتگان، رکن اساسی علم اخلاق اسلامی است. مباحث وجود شناختی مانند اتحاد عاقل و معقول، تشکیک در هستی، و حرکت جوهری از جمله مباحث فلسفی است که در تاریخ تفکر اسلامی برای تبیین مسائل اخلاقی نقش مهمی داشته است.

علم اخلاق اسلامی از هستی‌شناسی فلسفی اسلامی بهره می‌گیرد. این هستی‌شناسی با گرایش‌های سه‌گانه: مشایی، اشراقی و صدرایی، اصول موضوعه هستی‌شناختی علم اخلاق را در اسلام تأمین می‌کند.

### ج) مبادی انسان‌شناختی:

مبنای انسان‌شناختی اخلاق اسلامی - که از دو مبنای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی آن متأثر است - اعتقاد به ابعاد دوگانه وجود انسان، یعنی نفس و بدن است. بدن، موجود مادی و مربوط به عالم طبیعت است و نفس انسانی، موجودی فوق طبیعی و عقلی است. بدن انسان را با حس، و نفس او را با عقل می‌توان شناخت. بعد عقلانی وجود انسان با ذات و هویت او در ارتباط است و با وجود دیدگاه‌های مختلفی که درباره ارتباط نفس و بدن مطرح است، می‌توان گفت: نفس جنبه عالی تر و برتر وجود انسان را تشکیل می‌دهد: به گونه‌ای که لذت، سعادت، کمال و خیر حقیقی انسان به این بعد از وجود او مربوط می‌شود. اثبات مراتب سه‌گانه وجود انسان؛ یعنی حس، خیال و عقل، تبیین رابطه میان این مراتب بر اساس حرکت جوهری و جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس، از موثرترین مسائل انسان‌شناختی در علم اخلاق است.

## فرا اخلاق

عالمان اخلاق، هر یک از مبادی سه گانه فوق را در بخشی از آثار علمی دنیای اسلام بررسی کرده اند. متافیزیک و فلسفه به معنای خاص، عهده دار اثبات مبادی هستی شناختی علم اخلاق است. منطقی، برخی دیگر از مبادی معرفتی آن را مطرح می کنند و علم النفس، مبانی انسان شناختی اخلاق را تأمین می کند. پیش از صدرالمتهلین متفکران مسلمان مباحث نفس را در زمره مسائل طبیعی می دانستند و در طبیعیات در مورد آن بحث می کردند، ولی صدرالمتهلین این موضوع را به متافیزیک مربوط می دانست و آن را از زمره مباحث هستی شناسی به معنای خاص قرار می داد.

دانشی که به جستجو در مبانی و اصول موضوعه علم اخلاق می پردازد و درباره آن سخن نمی گوید «فرا اخلاق» نامیده می شود. فرا اخلاق به بیان اشراقی که مبانی فلسفی، معرفتی و انسان شناختی بر علم اخلاق دارند و نیز صورت های مختلفی که این علم در اثر مبادی گوناگون پیدا می کند، می پردازد.

براساس معنای بالا، فرا اخلاق یک علم درجه دو است؛ زیرا علم درجه دو علمی است که موضوع آن در علوم دیگر باشد و از آنجا که فرا اخلاق نیز درباره علم اخلاق و نسبت آن با مبادی و مبانی علوم دیگر بحث می کند، از علوم درجه دوم به شمار می رود.

## ارتباط علم اخلاق با سایر علوم

بنا بر آنچه گفته شد، علم اخلاق بی ارتباط با سایر علوم نیست. برخی از علوم، مبادی و مبانی علم اخلاق را تأمین می کنند که هر گونه تغییر در آنها به تغییر مبانی علم اخلاق و در نتیجه، تغییر در علم اخلاق منجر می شود. همان گونه که علم اخلاق مبادی خود را از علوم دیگر می گیرد، مبادی برخی از علوم مثل علم سیاست را تأمین می کند. پس این علم هم از علوم که مبادی آن را تأمین می کند متأثر است و هم در علوم که مبادی خود را از آن می گیرد، اثر می گذارد. در ابتدای کتب اخلاق اسلامی، بسیاری از مبادی علم اخلاق که به علوم دیگر مثل متافیزیک و طبیعی مربوط است، به طور خلاصه آورده شده است؛ زیرا بسیاری از مبادی علوم دیگر مثل سیاست و تدبیر مڈن در علم اخلاق شکل می گیرد؛ مثلاً ارسطو کتاب اخلاق نیکوماخوس را به عنوان مقدمه ای بر کتاب سیاست خود به نگارش درآورد.

## مبای علم اخلاق اسلامی



### چکیده

- کتاب‌های تهذیب‌الاخلاق و طهاره الاعراق، اخلاق ناصری، جامع‌السعادة و معراج‌السعادة از برجسته‌ترین آثار هستند که در تاریخ فرهنگ اسلامی درباره علم اخلاق نگاشته شده‌اند.
- بر مبنای این آثار، علم اخلاق علمی است که درباره نفس انسان بحث می‌کند؛ چرا که افعال زیبا، زشت، شایسته و ناشایسته با اراده تبیین صادر می‌شود.
- موضوع علم اخلاق، خُلق انسان است و درباره ملکات نفسانی آدمی بحث می‌کند؛ یعنی شناسایی خُلق‌های پسندیده و ناپسند، راه‌های آراسته شدن به اخلاق پسندیده و زدودن اخلاق ناپسند.
- پیش از اسلام علم اخلاق، از دو منبع معرفتی حسی و عقلی استفاده می‌کرد، اما با ظهور اسلام، معرفت وحیانی نیز بر این دو مورد افزوده شد.
- مهم‌ترین بنیان هستی‌شناسی علم اخلاق اسلامی، اعتقاد به متافیزیک و عالم ماوراء طبیعت است.
- دانشی که مبنای و اصول موضوعه علم اخلاق را بررسی می‌کند و در مورد آن بحث می‌کند، فرا اخلاق نامیده می‌شود.
- همان‌گونه که علم اخلاق، مبای خود را از دیگر علوم می‌گیرد و از آنها تأثیر می‌پذیرد، مبای علوم دیگر مثل سیاست را تأمین می‌کند و بر آنها تأثیر می‌گذارد.